

طرح مسئله: برنامه ریزی انگیزه‌ها؛

اقتصاد آب و نقش و جایگاه آن در
مدیریت آب

۱. مقدمه

آنچه در این نوشتار تنظیم شده است سخنرانی مهندس انوش نوری اسفندیاری در میزگرد اقتصاد آب؛ نقش و جایگاه آن در مدیریت آب می باشد. این میزگرد در ۲۰ آبان ماه ۱۳۹۳ در روز جهانی علم و صلح در دانشکده فیزیک دانشگاه تهران برای پاسخ به سه سوال زیر برگزار شد:

- ۱- مفهوم صحیح اقتصاد آب چیست و چگونه می توان برای مدیریت آب از آن استفاده کرد؟
- ۲- آیا بهره گیری از موضوع اقتصاد آب، می تواند به عنوان راهکاری جهت مدیریت مسئله امروز آب کشور مطرح شود؟
- ۳- برای بهره گیری از نظریه ها، تدابیر و سیاست های اقتصادی در مدیریت آب چه زیرساخت ها و پیش نیازهایی اهمیت دارند؟

در ادامه سخنرانی مهندس انوش نوری اسفندیاری در این میزگرد آورده شده است.

۲. طرح موضوع

موضوع این میزگرد کاربرد علم اقتصاد در حوزه آب یعنی بررسی چگونگی تخصیص منبع محدود آب است. این موضوع از بین تعاریف مختلفی که برای علم اقتصاد وجود دارد شاید بهترین تعریفی باشد که با شرایط آب تطبیق می کند. البته این به این معنا نیست که الان مثلاً تخصیص آب در کشور ما بر اساس علم اقتصاد انجام می شود. بلکه علم اقتصاد در واقع این ادعا را دارد که اگر این کار بر اساس علم اقتصاد انجام شود به نحو بهتری صورت می گیرد. چون که علم اقتصاد دلیل انتخاب را می تواند بگوید. وقتی منابع محدود باشد ناچاراً باید انتخاب صورت بگیرد و این انتخاب باید دلایلی داشته باشد. اقتصاد آب به دلیل تکیه و توجه ای که بر روی ارزش آب دارد می تواند این دلیل را مطرح بکند، می تواند انتخاب بهتر انجام دهد، برای اینکه موضوع کارآیی را مورد توجه قرار بدهد و می تواند اجرای موفق تر برنامه ها هم در آن دخیل باشد.

من می خواهم برای زمینه بحث سه تا مسئله را مطرح کنم که در زمینه کاربرد علم اقتصاد مشکل آفرین بوده است. از این سه مسئله، یکی **مقاومت در پذیرش موضوع است**. به طور کلی در مورد مسائل مادی و اقتصادی یک شرم حضوری در فرهنگ ها وجود دارد که ناراحتند که صراحتاً راجع به مسائل مادی صحبت کنند.

دومین موضوع، **دشواری هایی است که در تطبیق علم اقتصاد بر موضوعات و مسائل مدیریت آب وجود دارد**. زحمات بیشتری را می طلبد برای این که این تطبیق را انجام دهیم. دلیل آن هم خصوصیت آب است که شرایطی را ایجاد می کند که ما سازوکار خودپویی برای مشاهده و استخراج قواعد و اصول اقتصادی نداشته باشیم. لازم است که این اصول و مشاهدات را بر اساس مبانی کلی علم اقتصاد استخراج کنیم و بعد آنها در زمینه آب پیاده کنیم. به طور خلاصه چون ما بازار آب نداریم برای این که مسائل را حل و فصل کنیم، در نتیجه مجبوریم به

شکل دیگری از اصول و مبانی علم اقتصاد استفاده کنیم. البته این فقط در مورد آب نیست بلکه در مورد تمام کالاهایی است که بازار ندارند یا بازار در آن‌ها با نقص در کارکرد مواجه است. مثلاً در مورد زیربناها همه جا همین مسئله هست. اصطلاحاً کالاهای عمومی و یا در مورد خدمات محیط زیستی این مسئله وجود دارد. سومین مسئله، کاستی برنامه‌های شرکتی و ملی از نظر توجه به انگیزه‌های اقتصادی است. من سعی می‌کنم بیشتر روی سومین موضوع صحبت کنم.

۳. مقاومت در پذیرش موضوع

ابتدا یک اشاره‌ای دارم به اولین موردی که گفتم یعنی اقتصاد با طعم شرم و خجالت. مادر مدیریت آب ۴ تا اصل داریم که این‌ها به عنوان اصول ۴ گانه مدیریت جدید آب مطرح است:

- آب شیرین، منبعی محدود و آسیب پذیر است.
- توسعه و مدیریت منابع آب باید با رویکرد مشارکت مصرف‌کنندگان، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیرندگان انجام گیرد.
- زنان نقش مهمی در مدیریت حفاظت آب دارند.
- آب صرف نظر از نوع مصرف دارای ارزش اقتصادی است و باید به عنوان کالای اقتصادی به آن نگریست.

در سرنوشت این چهار اصل که از سال ۱۹۹۲ مطرح شده است، باید اشاره کنم که سه تای اول بدون مقاومت مورد پذیرش قرار گرفت ولی کمتر اجرا شد اما در مورد اصل چهارم حرف و حدیث فراوانی بود اما بیشتر اجرا شد. چرا این برخورد دوگانه در بیشتر مسائل اقتصادی در کشورها وجود دارد؟ این موضوع منحصر به فرهنگ ما نیست که ما، طبق ضرب‌المثل با دست پس زدن و با پا پیش کشیدن، این برخورد دوگانه را نسبت به مسائل مادی و اقتصادی داریم که با شرم و خجالت راجع به آن‌ها صحبت می‌کنیم.

این موضوع از حیث تخصص من خارج است که بخواهم این موضوع را تبیین کنم اما این یک مسئله فرهنگی است که منشأ آن موجب خیلی از سوء استفاده‌ها شده است. به دلیل این که بیشتر فکر می‌کنند کسانی که راجع به نیازهای مادی جامعه می‌خواهند صحبت کنند و راجع به آن‌ها برنامه‌ریزی کنند، حتماً مشکلی از نظر انگیزه‌ها دارند. ولی آن کسانی که راجع به مسائل اخلاقی و فرهنگی صحبت می‌کنند، آن‌ها هیچ مشکلی از نظر انگیزشی ندارند. در نتیجه حرف‌هایی که افراد مدعی مسائل اخلاقی می‌زنند با پذیرش عمومی بیشتری روبه‌رو است تا حرف‌هایی افراد مدعی مسائل اقتصادی. ولی این روایت را هم باید در نظر داشت که شاید به عکس باشد و کسانی که سعی می‌کنند بیشتر دایه مسائل اخلاقی را داشته باشند، این‌ها مشکلاتی دارند. این موضوع منجر به این شد که اصل چهارم به این شکل در بیاید که آبدکالای اقتصادی و اجتماعی باشد. و این مورد پذیرش بیشتری

قرار گرفت. بعداً در کشور ما چندتا پسوند دیگر هم به آن اضافه شد. سیاسی هم اضافه شد، امنیتی هم اضافه شد و شاید چهار پنج تا پسوند دیگر هم به آن اضافه بشود، اما واقعا منظور از این مفهوم چه بوده است؟

۴. پیاده کردن اصول اقتصادی در حیطه آب

در مورد مسئله دوم یعنی پیاده کردن اصول اقتصادی در حیطه آب و دشواری‌هایی که به خاطر خصوصیات آب وجود دارد، باید اشاره کرد که طبیعتاً بعد از سال ۱۹۹۲ کارهای زیادی شده است. از جمله در سال ۱۹۹۸ یک مقاله ۴۰ صفحه‌ای با عنوان «آب به عنوان یک کالای اقتصادی و اجتماعی؛ چگونه می‌توان اصول را در عمل به کار گرفت؟» توسط یک نهاد غیر دولتی به اسم همیاری جهانی آب (GWP) منتشر شد.



این مقاله با استقبال خیلی خوبی مواجه شد. البته عنوان، عنوان عجیبی است. چون پیش از این عنوان «کالا» در مورد مسائل اجتماعی به کار گرفته نشد بود. به دیگر سخن همیشه کالا با مفهوم و مضمون اقتصادی مطرح بود. چون در اقتصاد این اصطلاح وجود دارد ولی در این جا ما برای اولین بار با کالای اجتماعی هم مواجه شدیم و این به دلیل همان افکار عمومی بود که این مسئله را به قضیه اضافه کرد. به این دلیل که شرمی کردند که گفته بشود که آب یک کالای اقتصادی است. ما در زمینه‌های مختلف فرهنگی این مسئله را می‌بینیم. حتی در مسائل ازدواج هم گفته می‌شود که ما به مادیات اهمیت نمی‌دهیم ولی مهریه به اندازه سال تولد تعیین می‌کنند. این برخورد دوگانه منصفانه نیست. زیرا موجب عدم شفافیت و منشا فسادهای اقتصادی می‌تواند باشد. مخصوصاً در زمینه‌های علمی که امروز هم روز علم است. در هر صورت در این مقاله نحوه پیاده کردن مفهوم هزینه و ارزش توضیح داده شد. در زمینه‌های آب شهری، آب کشاورزی و آب صنعتی و موضوع ارزش کامل آب و

هزینه کامل آب مطالبی مطرح شده است. این که در شرایط متعادل باید هزینه و ارزش کامل با هم برابر باشند و چگونه می شود از ابزارهای اقتصادی برای این که این معادله را پایدار و برقرار کنیم، استفاده کرد.

همچنین، در سال ۲۰۰۶ کتابی بیش از ۴۰۰ صفحه توسط موسسه انتشاراتی ام آی تی منتشر شد. مولف این کتاب آقای گریفین بود در مورد اقتصاد منابع آب است و نگرش نسبتاً جامعی به موضوع آب دارد. این کتاب برای متخصصین غیر اقتصادی نوشته شد و سعی شده که بیان روشنی داشته باشد. در این کتاب اصول و روش شناسی اقتصاد در زمینه های مختلف مدیریت آب مورد بحث قرار گرفته شده است.

۵. کاستی های اجرای برنامه ها

مسئله سوم، مسئله اجرایی کردن برنامه است. می خواهم بر روی این مسئله بیشتر تأمل کنم. این که چرا ما برنامه ریزی می کنیم و اجرا نمی شود؟ ادعایی که من این جا می خواهم مطرح کنم این است که به خاطر این که به انگیزه های اقتصادی توجه نمی کنیم، برنامه های ما اجرایی نمی شوند. ما قوانین و سیاست های خوبی در زمینه آبداریم که اجرایی نشده اند. به عنوان مثال در قانون توزیع عادلانه آب ما داریم که وزارت نیرو مکلف است که مجوزهایی را تحت عنوان پروانه های بهره برداری بر طبق مصرف معقول صادر کند. حتی پروانه های برداشت های قبلی را هم بر اساس مصرف معقول تنظیم کند که این مصرف معقول هنوز تعریف نشده است. یعنی الان که فرض کنید که نزدیک ۳۰ سال از تصویب این قانون می گذرد هنوز این مسئله روشن نشده است. یا مثلاً یک خط مشی هایی را هیئت وزیران برای اجرای سیاست های کلی نظام در مورد آب تصویب کردند که چند هدف استراتژیک در این خط مشی ها بود که این ها به هیچ ترتیبی اجرایی نشده است. یکی از آن ها کاهش سهم بخش کشاورزی از کل برداشت ها به حداکثر ۸۷ درصد بود. یکی دیگر افزایش سهم آب سطحی در تامین به ۵۵ درصد بود. خوب الان به ۴۰ درصد رسیده است. به جای این که زیاد بشود کم شده است. و یا دو برابر شدن بازدهی هر مترمکعب آب در بخش کشاورزی در ۲۰ سال آینده از جمله این خط مشی ها بود. این ها هیچ کدام تحقق پیدا نکردند.

بنابراین مسئله ای را که می خواهم به آن پردازم این است که چگونه می توان برخی از تصمیمات سرنوشت ساز را به سرانجام رساند؟ بطور کلی و به ویژه در بخش آب. جواب این سؤال به صورت های مختلفی داده می شود. یکی این که گفته می شود برنامه اجرایی تهیه کنیم. یعنی برای اینکه ما این تصمیمات را به اجرا برسانیم برنامه اجرایی خوبی را با تکنیک های برنامه ریزی و به روش های صحیح تهیه کنیم. دومین راه حلی که داده می شود این است که یک برنامه انگیزشی برای اجرای این برنامه تهیه کنیم. که من تکیه ام بیشتر روی این است. سومین راه حلی که اخیراً یعنی یکی دو دهه اخیر، داده می شود، این است که نظام حکمرانی را اصلاح کنیم. یعنی برای این که بتوانیم تصمیمات خوب را اجرا کنیم، نظام حکمرانی باید اصلاح بشود.

من می‌خواهم بر روی محرک‌ها و انگیزه‌های انسانی تکیه کنم. راسل ایکاف، یکی از نامداران مدیریت کسب و کار، یک بیان خوبی راجع به برنامه دارد. ایشان می‌گویند انبوهی از برنامه‌های سازمانی را که من دیده‌ام مثل مناسک رقص بارانند و تاثیری بر هوای پس از آن ندارند، اما کسانی که در آن شرکت می‌کنند فکر می‌کنند دارند. یعنی همان موضوعی که این برنامه‌ها که ممکن است چندین جلد گزارش هم داشته باشند اجرا نمی‌شوند.

برنامه اجرایی چیست؟ یعنی برنامه‌ای که برای اجرای سیاست‌ها هست و چند خصوصیت باید داشته باشد. یکی این که **ابزارهای مدیریتی باید در آن دیده شود** که در آن جا گام‌های اصلی و مهم مشخص شده باشد، یک نقشه راه داشته باشد. **به جای این که منفعل باشد، پرواکتیو و تعاملی باشد.** به بخش‌ها و فازهای اجرایی تقسیم شده باشد و از برنامه کاریمتفاوت باشد. به این شکل که جزئیات را بیشتر در خود داشته باشد. اما یک نکته مهم در این برنامه‌های اجرایی که وجود ندارد این است که معمولاً راجع به انگیزه‌ها صحبتی نمی‌شود. حتی در شرکت‌ها. یعنی شما در مورد شرکت‌های مختلف که می‌بینید راجع به انگیزش کارکنان‌شان برنامه‌ای ندارند. طبیعتاً توجه به این برنامه‌ها برای شرکت‌ها برای این که بتواند برنامه‌های خود را اجرا کنند بسیار اهمیت دارد. خوب یک واقعیتی را می‌خواهم اشاره کنم که انسان موجودی است که یک محرک‌ها و انگیزه‌هایی دارد که آنها را نسبت به جانداران دیگر خیلی پیچیده‌تر کرده است. در مورد انگیزه‌های مختلف انسانی معمولاً به ۴ انگیزه اشاره می‌شود: یکی **انگیزه‌های اخلاقی** که انگیزه‌های درونی هستند. **انگیزه‌های اجبار** که عامل بیرونی هستند. **انگیزه‌های طبیعی** مثل کنجکاوی که باز هم یک عامل درونی است. و **انگیزه‌های مادی و یا پاداشی** که انگیزه‌های اقتصادی هستند. در نگرش جدید به انسان دو انگیزه دیگر هم مورد توجه قرار گرفت. یکی **آموزش و یادگیری** است که می‌تواند ایجاد انگیزه کند و دیگری **مشارکت** است که خود مشارکت احساس مالکیت و تعلق را ایجاد می‌کند و می‌تواند انگیزه‌ساز باشد. بحث ما امروز در مورد انگیزه‌های اقتصادی است.

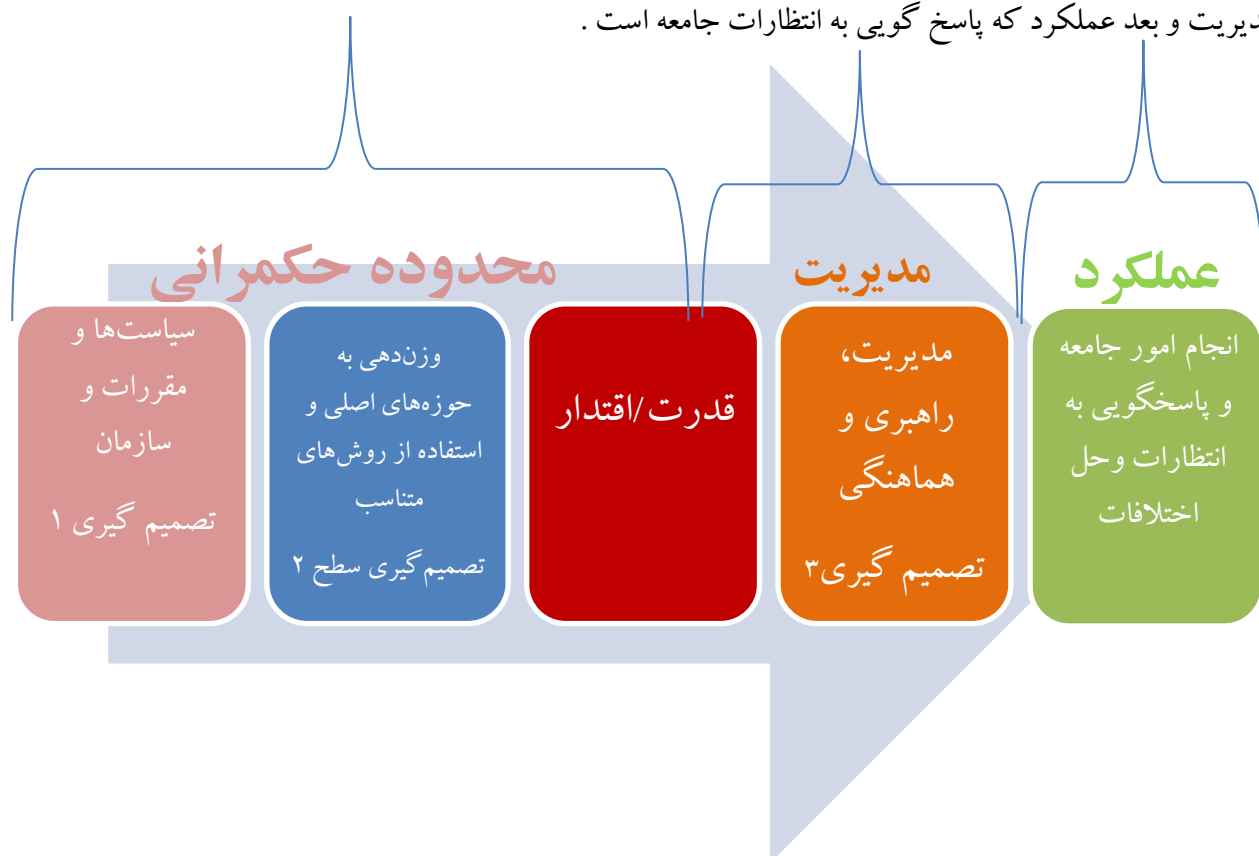
تنوع انگیزه‌ها و تناسب روش‌ها



در زمینه‌های فرهنگی این مسئله است که صحبت کردن از مسائل مادی و اقتصادی و انگیزه‌های اقتصادی با شرمندگی همراه است. ما اگر در طرح‌های آب به انگیزه‌های اقتصادی توجه کنیم طرح‌هایمان تضمین بهتری برای موفق شدن دارد. یکی از برنامه‌های اقتصادی آب، برنامه اقتصادی کالیفرنیا است که فصل ۲۱ آن راجع به انگیزه‌های اقتصادی است و به سه شکل، این انگیزه‌ها را مورد توجه قرار داده است. یکی بحث نرخ آب است، یکی انگیزه‌های مربوط به کمک‌های مالی است و سیاست‌های بازار آب است. سپس به‌فرویدی که این انگیزه‌ها می‌توانند ایجاد کنند، هزینه‌هایی که این انگیزه‌ها دارند و موضوعات اصلی که باید در استفاده از این انگیزه‌ها مورد توجه باشد، پرداخته می‌شود. اینکه مثلاً نرخ آب را درست انتخاب کنیم، تامین مالی وام‌ها و کمک‌ها و مساعدت‌ها را مشخص کنیم، ببینیم که به چه ترتیبی می‌توانیم برای تدارکات لازم از بخش‌هایی که خصوصی هستند و به اصطلاح انتفاعی هستند استفاده کنیم، معیارهایمان برای این موضوع چه باشد، این انگیزه‌ها ممکن است چه پیامدهای جنبی داشته باشد، مسائل محیط‌زیستی را در این رابطه چگونه ببینیم، مسائل تنظیم مقررات را چگونه ببینیم، چگونه بازار آب را توسعه دهیم، در مورد کسانی که خودشان تامین کننده آب هستند چه روشی داشته باشیم و آخر از همه این که ما بتوانیم یک مدل اقتصادی داشته باشیم که بتوانیم سناریوهای مختلف را در آن تجزیه و تحلیل کنیم. حال شما برنامه‌های آبی را که در کشور ما تهیه می‌شود اگر ملاحظه کنید معمولاً این بخش یک بخش مغفول مانده‌ای است که به آن توجه نمی‌شود. یعنی مهندسين مشاور در زمینه آب در این مورد چیزی را ندارند که مطرح بکنند.

موضوع دیگر که می‌خواهم به آن اشاره کنم مسئله حکمرانی و تاثیر تدابیر اقتصادی در بهبود حکمرانی آب است. در ده بیست سال گذشته روی موضوع حکمرانی خیلی خوب تاکید شده است. در اعلامیه هزاره ملل متحد که برای هزاره سوم تهیه شده است گفته شده که شرط اساسی دستیابی به اهداف توسعه هزاره سوم تحقق حکمرانی خوب یا موثر است. در مورد آب هم در سومین گزارش توسعه جهانی آب که سازمان ملل تهیه می‌کند و در سال ۲۰۰۹ منتشر شده است آمده که بحران آب را اساساً بحران حکمرانی باید بدانیم و جوامع برای چگونگی حکمرانی کاراتر با چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی روبه‌رو هستند.

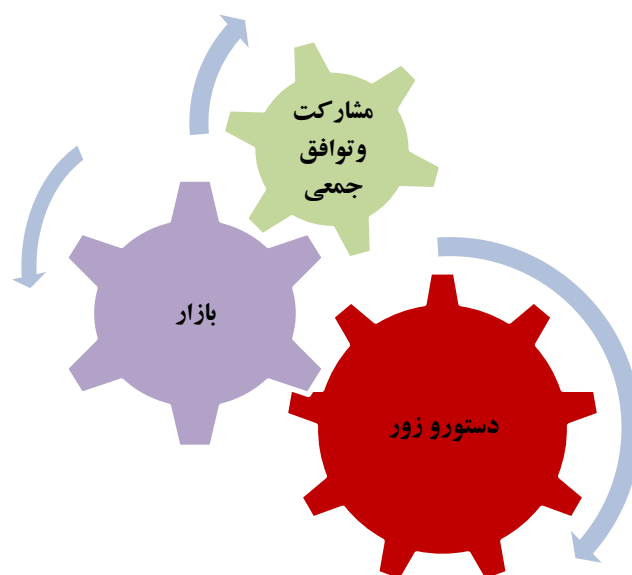
می‌خواهم تعریف مختصری از حکمرانی در اینجا ارائه کنم. حکمرانی درک بشر است از تحلیل مسائل اساسی که باید با آن مواجه بشود. بشر به این درک رسید که سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌توانند روی سرنوشت افراد اثرگذار باشند و از نقطه‌نگری و کوتاه‌بینی که نسبت به درک مسائل داشت پا را فراتر گذاشت و به یک درک سیستمی از جامعه رسید. این درک سیستمی تاثیر خود را بر روی تحلیل شرایط حاکم بر جامعه گذاشت و بحث حکمرانی متولد شد. در بحث حکمرانی گفته می‌شود که ما به جای این که فقط به مدیریت توجه کنیم به سیستم‌های اقتصادی اجتماعی توجه کنیم و بعد ببینیم که چه تاثیری این سیستم‌ها بر روی مدیریت و شرایط و جوئی که مدیریت در آن کار می‌کند داشته است. بنابراین محدوده حکمرانی دارد از محدوده مدیریت آب جدا می‌شود. در سمت چپ این نمودار که ملاحظه می‌کنید محدوده حکمرانی را می‌بینید، بعد مدیریت و بعد عملکرد که پاسخ‌گویی به انتظارات جامعه است.



در قسمت حکمرانی سه مستطیل جدا شده است. مستطیل اول ظرفیت حکمرانی یا ساختار حکمرانی را نشان می‌دهد که شامل سیاست‌ها، مقررات و سازمان است که در این مجموعه تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌شود. بعد در مستطیل آبی رنگ، وزن دهی به استفاده از روش‌های متناسب برای اجرای تصمیمات قرار دارد و بالاخره آن مستطیل قرمز رنگ که اشاره دارد به موضوع قدرت و اقتدار در اجرای تصمیمات. بنابراین ما سه تا بحث را داریم. یکی ظرفیت یا ساختار حکمرانی است که به قانون به سیاست و به سازمان برمی‌گردد. یکی بر روی مکانیزم‌هایی که می‌خواهیم تصمیمات را اجرا کنیم توجه دارد و یکی هم روی این که ما در اجرای تصمیمات چقدر موفق هستیم.

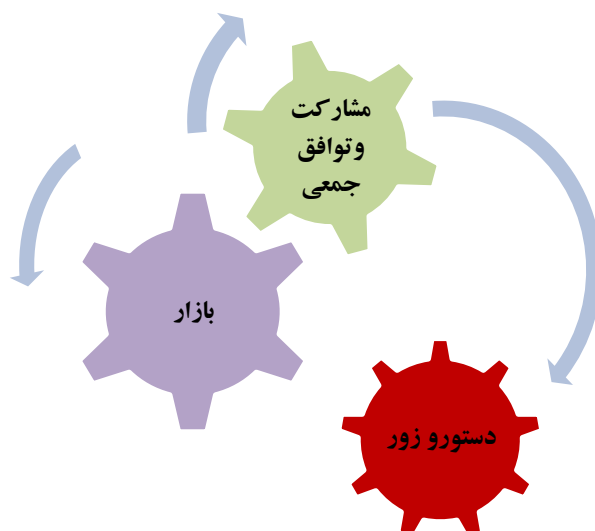
بطور کلی سه مکانیزم برای اجرای تصمیمات شناخته شده است. مشارکت و توافق جمعی است؛ دستور و زور و مکانیزم بازار است. مکانیزم دستور و زور با قرمز نشان داده شده است. در نظام‌های گذشته زور، عریان بود. در نظام‌های جدید این زور از طریق سلسله مراتب و نظام اداری اعمال می‌شود. اصطلاحاً به آن شکل توسعه آمرانه یا اجرای تصمیمات به صورت آمرانه می‌گویند. همان طور که در ادارات است. دستور به صورت بخشنامه از بالا می‌آید و سلسله مراتب طی می‌شود. دومی بازار است که یک شکل غیرمتمرکز است و یک مکانیزم خودپوی اقتصادی است. سومی مشارکت و توافق و شبکه‌های اجتماعی است.

وضعیت موجود حکمرانی آب در کشور این است که عمده کارها از طریق سلسله مراتب و دستور و زور باید انجام شود. یا زور قانون باید باشد یا زور اداری و بخشنامه. بحث اصلی این است که ما باید وزن مکانیزم‌ها را متناسب کنیم.



در نشست سوم شورای جهانی آب در توکیو در سال ۲۰۰۳ به این موضوع اشاره شد. گفته شد که در حال حاضر حکمرانی پخش شده نوع برتر حکمرانی محسوب می‌شود. در شرایطی که نقش‌های دولت، بازار و جامعه

به توازن رسیده باشد. به عبارت دیگر بحث بر سر این توازن است که در حوزه های مختلف و در جوامع مختلف بر اساس شرایط آنها این توازن را بتوانند تغییر دهند. همان طور که در نمودار زیر می بینید که آن قسمت دستور و زور کوچک تر شده و قسمت بازار و مشارکت بزرگ تر شده است.



۶. جمع بندی و نتیجه گیری

اولین نتیجه گیری این است که انسان ها از ساختار انگیزشی فردی و جمعی پیچیده ای برخوردارند. انگیزه های اقتصادی در میان انگیزه های مختلف انسان جایگاه اساسی دارد. دومین نتیجه گیری این است که حتی برای اجرای بهترین و مترقی ترین سیاست ها اگر تکیه اصلی بر اجبار باشد شرایط رضایت بخش نخواهد بود. سوم این که اگر انگیزه های اقتصادی به نحوه صحیحی در سازوکارهای اجرای برنامه دیده شود میزان مقاومت و عدم همکاری یا استفاده از روش های پنهان و غیرقانونی که همراه با فساد و رانت جویی است کاهش پیدا می کند. آخر این که سازوکارهای اقتصادی با اصلاح و بهبود حکمرانی داد و ستدهایی دارد اگر از این سازوکارها را در بهبود حکمرانی استفاده کنیم در نقطه مقابل حکمرانی هم کمک می کند که از این سازوکارها بهتر استفاده کنیم. چون خیلی از سازوکارهای اقتصادی به پیش نیازهایی احتیاج دارند که این پیش نیازها در بهبود حکمرانی حاصل می شود. من چند مثال کوتاه می زنم. مثلا در مورد تعرفه و نرخ گذاری آب، ما نمی توانیم با ساختار شرکت های موجود این کار را انجام بدهیم چون مستلزم این است که خدمات ما هم بهتر بشود. یعنی انتظار جامعه این است که با افزایش قیمت ها ارائه خدمات بهتر بشود. در نتیجه نظام مدیریتی باید بهبود پیدا بکند. در مورد آب کشاورزی انتظار این است که برای اقتصادی کردن آب کشاورزی نظام کشاورزی مان بهبود پیدا کند و وضعیت بهتری نسبت به حالا داشته باشد که یک نظام دهقانی است که هیچ نوع تلاشی برای سازمان دهی و

افزایش بهره‌وری در آن صورت نمی‌گیرد. به هر حال سعی کردم بصورت غیر مستقیم بهسه موضوع پردازم. یکی راجع مفهوم صحیح اقتصاد آب. و راجع به این که چه مسائلی را در مدیریت آب می‌تواند حل و فصل بکند و سومی این که چه پیش نیازهایی را لازم دارد.